

## مکان يابی شهر آذيوجان بر پایه مطالعه متون تاريخی و شواهد باستان‌شناسی

يونس يوسف‌وند<sup>۱</sup>، جواد نيستاني<sup>۲</sup>، سيد مهدي موسوی کوهپير<sup>۳</sup>

(دریافت مقاله: ۹۷/۰۶/۱۴ - پذيرش نهايي: ۹۷/۰۹/۲۰)

### چکیده

نام «آذيوجان»، از شهرهای کم‌شناخته سده‌های نخست دوران اسلامي در غرب ايران، در گزارش‌های جغرافي‌نویسان اسلامي و سکه‌های اين شهر از سده ۴ قی آمده است. حدود جغرافيايي اين شهر ناحیه‌ای در ایالت «ماسبدان» در غرب ايران بوده و علی‌رغم مطالعات و تحقیقات باستان‌شناسی در محدوده ایالت ماسبدان، شهر آذيوجان و موقعیت مکانی آن ناشناخته باقی‌مانده است. هدف اين نوشتار، بررسی و شناخت محدوده جغرافيايي شهر آذيوجان بر اساس آگاهی‌های موجود در منابع نوشتاری دست اول و انطباق آن با شواهد باستان‌شناسی، به منظور دستيابی به موقعیت مکانی اين شهر در جغرافيايي امروزی منطقه است. رویکرد پژوهش، «جغرافيايي تاريخی» است و یافته‌ها با مطالعات میدانی و اسنادی سنجیده شده است. بنا بر نتایج، شهر آذيوجان در شهرستان امروزی «ايوان» در شمال استان ایلام در امتداد رود «کنگير» قرار داشته است. از مقایسه آگاهی‌های باستان‌شناسی با آگاهی‌های متون تاريخی، محوطه «جوی زر» در ساحل رودخانه کنگير برای موقعیت مکانی آن پیشنهاد می‌شود.

**کلید واژه‌ها:** ایوان، جوی زر، جغرافيايي تاريخی آذيوجان، شواهد باستان‌شناسی.

۱. دانشجوی دکتری دوران اسلامي، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس؛

Email: yyvand@gmail.com

۲. دانشيار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)؛

Email: jneyestani@modares.ac.ir

Email: m\_mousavi@modares.ac.ir

۳. دانشيار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس؛

### مقدمه

استان امروزی ایلام، در منابع تاریخی دوره ساسانی، بخشی از گوست خوربران بوده و در قالب دو ایالت ماسبدان و مهرجان قذق اداره می‌شده است (مارکوارت<sup>۱</sup>، ۳۷). این ناحیه در سده‌های نخستین اسلامی جزء ایالت جبال به‌شمار می‌رفته (استخری، ۱۱۶) و تحت سلطه والیان کوفه در عراق امروزی اداره می‌شده است. بنا بر نوشته‌های پژوهشگران حوزه جغرافیای تاریخی، ماسبدان بخش‌های شمالی استان و مهرجان قذق بخش جنوبی و قسمت‌هایی از لرستان و خوزستان را در بر می‌گرفته است (لسترنج<sup>۲</sup>، ۲۱۸). شهرستان امروزی ایوان در شمال استان ایلام، به‌طور کامل در محدوده ایالت ماسبدان قرار داشته است، بخش قابل توجهی از این شهرستان را دره حاصلخیز ایوان تشکیل می‌دهد، که در حد فاصل ارتفاعات «بانکول» در شمال و «شره‌زول» در جنوب واقع شده و رودخانه کنگیر به‌خوبی آن را مشروب می‌کند. با استناد بر نتایج بررسی‌های باستان‌شناسی، ایوان در طول دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی، از مراکز جمعیتی مهم بوده است، اما شکوفایی آن از اواخر دوره ساسانی (حک: ۲۲۴-۶۵۱م) آغاز می‌شود. استعدادهای زیست‌محیطی و نزدیکی آن به تیسفون و بغداد، موجب رونق و شکوفایی آن در این دوره و سده‌های آغاز اسلامی گردید. بر اساس اشارات متون تاریخی، از اواخر دوره ساسانی و سده‌های نخست دوران اسلامی، شهرها و استقرارگاه‌های متعددی در محدوده ایالت ماسبدان وجود داشته و مهم‌ترین آنها دو شهر سیروان/ شیروان و آدیوجان/ آریوجان بوده است. آدیوجان که در منابع مکتوب به صورت آدیوخان، آریوخان و آریوخان، اریجان، اریحان و بر روی سکه‌ها با ضبط «آدیوجان» آمده است، به عنوان دومین شهر حاکم‌نشین ایالت ماسبدان، توجه جغرافی‌نویسان و مورخان دوران اسلامی را جلب کرده و نام آن در کنار شهرهای مهم غرب ایران، همچون شیروان، سیمره و دینور ذکر شده است. علاوه بر متون تاریخی، سکه‌های دوره حکومت بدر بن حسنویه (حک: ۳۶۹-۴۰۵ق/ ۹۷۹-۱۰۱۴م) ضرب شهر آدیوجان، سند محکمی بر وجود این شهر در قرن ۴ق و اهمیت آن در قلمرو حکومت آل حسنویه است. در مقاله حاضر، با سنجش و انطباق اطلاعات ذکر شده در کتب جغرافیای تاریخی با یافته‌های باستان‌شناسی، کوشش شده تا مکان شهر آدیوجان نشان داده شود.

1. Markwart
2. Le Strange

## ۱. رویکرد نظری تحقیق

رویکرد این پژوهش جغرافیای تاریخی است و یافته‌ها با مطالعات اسنادی و میدانی گردآوری شده است. در بخش اسنادی با مطالعه متون تاریخی و رجوع به منابع دست اول، به شناسایی موقعیت مکانی، وضعیت زیست‌محیطی و ویژگی‌های شهر آدیوجان از دیدگاه مورخان و جغرافی‌نویسان دوره اسلامی پرداخته خواهد شد و در بخش میدانی هم با روش بررسی باستان‌شناسی منطقه، ضمن جمع‌آوری یافته‌های باستان‌شناختی، ویژگی‌های اشاره شده در متون تاریخی در ارتباط با شهر آدیوجان با دشت ایوان در امتداد رود کنگیر مقایسه و از آنها نتیجه‌گیری می‌شود.

## ۲. پیشینه پژوهش

راولینسون<sup>۱</sup> در ۱۸۳۶م، هنگام سفر از زهاب به خوزستان و عبور از منطقه «ایوان کلهر» آثار خرابه محوطه‌ای را در نزدیکی دهکده زرنه، همان آدیوجان دانست (راولینسون، ۴۰). پس از وی، مأمور ناشناخته‌ای از حکومت قاجار (۱۱۷۴-۱۳۰۴ق / ۱۷۸۹-۱۹۲۵م)، منطقه ناشناخته‌ای در انتهای کبیرکوه و ابتدای مله‌گون و انتهای چکره نزدیک سراب گذارخوش را اریوجان محسوب داشت و آن را با گزارش‌های مسعودی و ابودلف درباره شهر آدیوجان تطبیق داد (جغرافیای ناشناس، ۱۴۸)، اما مینورسکی<sup>۲</sup> مکان آدیوجان را با دره ایوان در سرچشمه‌های رودخانه کنگیر یکی دانسته است. نظر مینورسکی براساس توصیفات است که ابودلف از مسیر سفر در ایران ترسیم کرده است. وی در نقشه‌ای که از مسیر سفر ابودلف در غرب ایران تدارک دید، موقعیت شهر آدیوجان را در ایالت ماسبدان در غرب لرستان در حد فاصل جنوب کرمانشاه و مرز عراق ذکر کرده است (نقشه ۲) (مینورسکی، ۱۲۱). هرتسفلد<sup>۳</sup> نیز به پیروی از مینورسکی و با استناد به متون تاریخی، دره ایوان را محل شهر اریوجان تشخیص داد (به نقل از ساکی، ۲۰۹). محمدی بر مبنای توصیفات متون تاریخی از ایالت ماسبدان و آشفشان آن، بر این باور است که شهر آدیوجان در وسط دشت ایوان غرب و در محوطه جوب‌شهر واقع شده بود (محمدی، ۱۷، ۲۷، ۱۹۳، ۱۹۴). ایزدپناه نیز با تکیه بر گزارش ابودلف در باب ماسبدان و آدیوجان، که مدفن مهدی (۱۵۸-۱۶۹ق / ۷۷۵-۷۸۵م) خلیفه عباسی بوده، آدیوجان را

1. Rawlinson

2. Minorsky

3. Herzfeld

با شهر امروزی ایلام انطباق داده است (ایزدپناه، ۲/ ۵۰۲). عبدالله قوچانی در مقاله‌ای برای مشخص کردن قلمرو حکومت بدر بن حسنویه، ضمن معرفی ۳ سکه نقره ضرب شهر آدیوجان از قرن ۴ق، موقعیت شهر آدیوجان را در سومار و در نزدیکی مرز عراق دانسته است (قوچانی، ۵۲).

### ۳. جغرافیای تاریخی و طبیعی

شهرستان ایوان (ایوان کلهر) در شمال استان ایلام و بین مدارهای ۳۳°/۴۵ تا ۳۴°/۵ عرض شمالی و بین نصف‌النهارهای ۴۵°/۵۰ تا ۴۵°/۱۵ طول شرقی واقع شده و از شمال به شهرستان گیلان غرب، از شرق به شهرستان شیروان، از غرب به سومار و از جنوب به ایلام محدود می‌شود. این شهرستان بخشی از حوزه زیست‌محیطی زاگرس مرکزی است که با توجه به برخورداری‌های زیست‌محیطی، همچون منابع آب سطحی (رودخانه و چشمه) جنگل‌های انبوع و مراتع سرسبز، یکی از مراکز مهم جمعیتی غرب ایران در ادوار مختلف تاریخی بوده است. ایوان در محیطی کوهستانی و در اقلیم معتدل و نیمه مرطوب واقع شده و بیشترین درجه حرارت آن ۴۳ درجه و کمترین آن منفی ۱۰ درجه و میزان بارش سالانه آن بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ میلی‌متر است. مهم‌ترین عارضه طبیعی آن، کوهستان و رودخانه است و همین عوامل تنوع گونه‌های گیاهی و جانوری آن را سبب شده است. با استناد به نتایج بررسی‌های باستان‌شناسی، سابقه استقرار در این منطقه به دوره پارینه‌سنگی می‌رسد (خانزادی، ۱۳۸۹؛ نورالهی و همکاران، ۲۰۱). این شهر در دوره حکومت ماد (۶۷۸-۵۵۰ ق.م)، همراه سایر مناطق غرب ایران ضمیمه قلمرو این امپراتوری شد و در دوره هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ ق.م) نیز، جزء ماد (ماد) دومین ایالت معتبر امپراتوری هخامنشی بود.<sup>۱</sup> ایالت ماد در دوره اشکانی (۲۴۷ ق.م-

۱. به نوشته روالینسون، قدیمی‌ترین نام برای جلگه ایوان، آریوخ بوده است که بعدها به آریوخان تبدیل شده است. قبل از آمدن اسکندر نام آریوخ به سید که جمع آن سیدان است تغییر شکل یافته و با پیشوند ماه (منطقه) به صورت ماسبدان درآمده است. استرابون از آن با نام ماساباتیکی یاد و به موقعیت آن در بین عیلام و کوهستان زاگرس اشاره کرده است، اما بطلمیوس آن را سامباتایی می‌نامد (به نقل از راولینسون، 56). به نظر رحمتی، ماسبدان از دو جزء ماه و اسبدان ترکیب یافته است؛ جزء اول تصحیفی از ماد است که در دوره اشکانی و ساسانی با نام مای یا ماه خوانده می‌شد. جزء دوم نیز اسبدان است که به صورت اسپتان (اسبدان) نیز آمده است. احتمالاً اسبدان (اسپتان) تلفظی از اسپهان (مکان سپاهیان) باشد که با توجه به موقعیت کوهستانی ایلام و وجود مراتع و چراگاه‌ها و ←

۲۲۴م) به مای یا ماه تغییر نام یافت و شواهد بسیاری از این دوره در تپه‌های متعدد در ایوان به دست آمده است. در دوره ساسانی بخش شمالی استان ایلام با نام ماسبذان شناخته می‌شد و شهرستان ایوان به طور کامل در محدوده این ولایت قرار گرفت. ماسبذان در دوره اسلامی یکی از حوزه‌های اداری ایالت جبال بود (ابن‌خردادبه، ۲۰؛ ابن‌رسته، ج ۱، صص ۲۶۹-۲۷۰) و از دوره سلجوقی (۴۲۹-۵۵۲ ق/۱۰۳۷-۱۱۹۴م) به بعد دیگر، نام ماسبذان برای اشاره به این منطقه به کار نرفت. از سده ۶ ق به بعد، ولایت ماسبذان همراه بخش غربی ایالت جبال، تحت عنوان کردستان معروف شد (مستوفی، ۱۰۷-۱۰۹). حدود اربع ولایت ماسبذان (ماسندان، ماسیندان، ماسپتان، ماسه‌بدان) به‌طور دقیق مشخص نیست، اما بنا بر اشارات متون تاریخی می‌توان موقعیت تقریبی آن را در قسمت‌های شمالی استان ایلام دانست که از شرق با رودخانه سیمره، از شمال به ماهیدشت امروزی، از غرب به مرز عراق و از جنوب هم به مهرجان‌قذق محدود می‌شده است (لسترنج، ۲۰۱). اشارات مکرر متون تاریخی به این منطقه، مسافرت‌های فصلی آخرین شاهان ساسانی و خلفای عباسی به شکارگاه‌های ماسبذان، در کنار فراوانی آثار معماری بر جای مانده از دوره ساسانی و سده‌های نخست اسلامی در منطقه، حاکی از اهمیت ویژه آن طی این دوره‌های تاریخی است. به نوشته مقدسی، قباد پادشاه ساسانی، ماسبذان و مهرجان‌قذق را جزء دلگشایترین سرزمین‌های قلمرو خویش می‌دانست (مقدسی، احسن‌التقاسیم، ۳۷۱-۳۷۵). یعقوبی میزان مالیات این ولایت را به‌صورت مشترک با مهرجان‌قذق در زمان خلیفه دوم (۱۳-۲۳ ق/۶۳۴-۶۴۴م)، دو میلیون و پانصد هزار درهم ذکر کرده است (یعقوبی، البلدان، ۲۷۰). ابن‌خردادبه نیز، مالیات متعلق به این دو ولایت را جمعاً سه میلیون و پانصد هزار درهم آورده است (نک: ابن‌خردادبه، ۴۱)، اما قدامه بن جعفر، خراج ماسبذان را از مهرجان‌قذق تفکیک کرده و هرکدام را به

→ قلعه‌های متعدد در آن، می‌توانست مکان مناسبی برای استقرار سپاهیان ساسانی باشد (رحمتی، ۲۳)، اما به نوشته محمدی، لفظ آریوحان از اریحا گرفته شده است و اریحا شهری در شمال سوریه، از مراکز اولیه سکونت یهودیان بوده است و به دنبال کوچ یهودیان به ایران و استقرار جمعیتی از آنها در دره ایوان به دلیل شباهت موقعیت جغرافیایی و آب‌وهوایی ایوان با اریحا آن را اریحا نامیدند و بعدها کاتبان و نویسندگانی که آشنایی چندانی با این نام نداشته‌اند، آن را به صورت اریحان، آریوحان، اریجان و مانند آن ضبط کرده‌اند (محمدی، ۵۲). تا سال‌های نه‌چندان دور، جمعیتی از یهودیان در دره ایوان سکونت داشته‌اند و قبرستانی از آنها به نام هلوچ هنوز هم در منطقه باقی است. هاوج نام یکی از بزرگان آنها بوده که برای این قبرستان انتخاب شده است.

صورت مجزا یک میلیون و صدهزار درهم نوشته است (قدامه، ۱۴۳-۱۴۲). این میزان بالای مالیات در ایالت ماسبذان و مقایسه آن با مناطق دیگر، حاکی از اهمیت اقتصادی این ناحیه در سده‌های نخست اسلامی است. با توجه به کوهستانی بودن این ناحیه، وجود زمین‌های حاصلخیز، منابع آب سطحی (به صورت رودخانه و چشمه)، مراتع فراوان و تنوع اقلیمی که بستر مناسب برای زندگی کوچ‌نشینی است، می‌توان گفت که کشاورزی و دامداری شغل اصلی مردم ماسبذان بوده است، هم‌چنان که امروزه نیز چنین است. در برخی منابع، به میوه‌ها، منابع کشاورزی و دامی ماسبذان اشاره شده است (ابن‌خردادبه، ۲۴۳ و ۲۴۴). مسعودی ضمن اشاره به حضور خرم‌دینان در شهرها و قصبات ماسبذان به اشتغال آنها در مزارع کشاورزی اشاره کرده است (مسعودی، مروج الذهب، ۲۹۷). برخی از منابع متقدم و کهن جغرافیای تاریخی، از اشتغال مردم ناحیه ماسبذان به چوپانی سخن به میان آورده‌اند (ابن‌عنه، ۳۵) و برخی به منابع آب فراوان و میوه‌های آن (استخری، ۱۶۵-۱۶۶)، و برخی دیگر (ابن‌حوقل، ۳۱۴) در ضمن مقایسه شهر شیروان با شهرهای موصل و تکریت، به محصولات کشاورزی آن اشاره کرده‌اند، که نشان از اهمیت این ایالت در قرون نخستین اسلامی دارد.

#### ۴. آذیوجان در متون

متون جغرافیایی و تاریخی سده‌های نخستین اسلامی، بارها به ایالت‌های ماسبذان و مهرجان‌قذق اشاره کرده‌اند و به طور مفصل از دو شهر بزرگ سیمره و شیروان و میزان خراج آنها، موقعیت جغرافیایی، آب و هوا و ویژگی‌های معماری آنها سخن به میان آورده‌اند (ابن‌خردادبه، مسالک و ممالک، صص ۴۱، ۵۷، ۷۲، ۲۴۳، ۲۵۰ و ۲۴۴؛ یعقوبی، تاریخ، ۴۰۱-۴۰۴-۴۰۷؛ ابن‌حوقل، ۲۲۵؛ استخری، ۸۱؛ مقدسی، احسن التقاسیم، ۵۸۸)، اما این منابع در بابا شهرهای کوچک‌تر این دو ولایت، همچون آذیوجان اطلاعات چندانی به دست نمی‌دهند. بیشترین اطلاعات در باره آذیوجان را ابودلف در سده ۴ آورده که خود به این منطقه سفر کرده است. وی این شهر را به ایالت ماسبذان متعلق دانسته و در کنار شهر شیروان مرکز ایالت ماسبذان، از آن نام برده است: «از طرز بسوی ماسندان (ماسبذان) و مهرجان‌قذق می‌روند که شامل شهرهای متعدد از جمله آریوجان (آذیوجان) است. این شهر زیبا در دشتی میان کوه‌های پر از درخت واقع شده است و در آن آبهای معدنی و گوگردی و معدن زاج و شوره و املاح دیگر وجود دارد. آب آن به

بندنجین می‌ریزد و نخلستانها با آن آبیاری می‌شود. در شهر مزبور فقط سه چشمه معدنی و چشمه دیگری موجود است که هرگاه شخص از آب آن تنقیح کند به اسهال سخت مبتلا می‌شود و چنانچه از آن بنوشد مقدار زیادی اخلاط بر می‌گرداند. این آب برای اعصاب سر زیان آور است. از آنجا تا رد (رد) و براو چند فرسخ است در آنجا آرامگاه مهدی واقع است. یگانه اثری که در این شهر دیده می‌شود ساختمانی است که شکل خارجی آن از میان رفته و چیزی از آن باقی نمانده است. سپس از آنجا به سیروان می‌روند که در آن آثار زیبا و ساختمان‌های عجیب موجود است» (خزرجی، ۶۴). در کتاب التنبیه و الاشراف شهر آدیوجان با ضبط اربوجان آمده و مسعودی به آتشفشان معروفی که از فاصله دور دیده می‌شود، در این منطقه اشاره کرده است: «آتشفشان اربوجان مجاور سیروان و ولایت ماسبدان است که به نام حمه‌تومان معروف است و مجاور منجلان است از چهل فرسخی بغداد بر راه بندنجین و ابراز الروز دیده می‌شود» (مسعودی، التنبیه و الاشراف، ۷۰)، اما تاکنون با مطالعاتی که از لحاظ زمین‌شناسی صورت گرفته، چنین آتشفشانی در منطقه تایید نشده است. شاید اشاره مسعودی در باب وجود آتشفشان در ماسبدان ناشی از فوران منابع گازی طبیعی باشد که در گذشته در برخی مناطق آن شعله‌ور بوده است. شواهد چنین منابعی امروزه در منطقه چمن‌بولی از توابع بخش چوار وجود دارد که با شعله‌های همیشه روشن قابل مشاهده است و در زبان محلی به آن «آگرواج» می‌گویند. به نوشته ابن فقیه همدانی، قباد ساسانی در ماسبدان در دهکده‌ای به نام ترمان - شاید همان «تومان» در کتاب مسعودی باشد - چشمه آب گرمی ساخت که پنداشتی آن را با آتش گرم می‌کنند (ابن فقیه همدانی، ۲۰۹-۲۱۲). در کتاب دیگر مسعودی، مروج الذهب، نام این شهر به صورت اربوجان ضبط شده است (مسعودی، مروج الذهب، ۳۵/۲). سمعانی نیز در کتاب الأنساب، زیر نسبت «الآدیوخانی» هنگام معرفی ابوسعید الفضل بن عبدالله بن علی بن عمر بن عبدالله بن یوسف گوید: «وی از مشاهیر علم حدیث بود که اهل آدیوخان بود و آدیوخان از قریه‌های نهانند است» (سمعانی، ۷۴/۱). یاقوت نیز به نقل از سمعانی نام این شهر را آدیوخان ذکر کرده است (یاقوت حموی، ۱۶۷/۱). به احتمال بسیار، اعتمادالسلطنه نیز به پیروی از سمعانی، آدیوجان را از قریه‌های نهانند دانسته و آن را با املائی آدیوخان آورده است (اعتمادالسلطنه، ۱۵). علاوه بر اشارات متون تاریخی و جغرافیایی، وجود سکه‌هایی از زمان حکومت بدر بن حسنویه مربوط به ۳۹۷ق ضرب شهر آدیوجان (قوچانی، ۵۶)

(تصویر ۱)، سندی قابل اعتماد در اثبات وجود شهری به نام آدیوجان در قلمرو حکومت آل حسنویه در سده ۴ق است. وجود ضرابخانه در این شهر و ضرب سکه در آن، حاکی از وجود کرسی حکومتی و سایر ارکان شهری و حکومتی و اهمیت سیاسی- اقتصادی آن در قلمرو آل حسنویه است!



تصویر ۱. پشت و روی درهم بنام بدر بن حسنویه ضرب شهر آدیوجان. وزن: ۲/۳ گرم. قطر: ۲۳ میلیمتر. مأخذ: آرشیو موزه رضا عباسی.

##### ۵. بررسی و نقد آراء محققان

یکی از مناطق پیشنهادی که برای موقعیت شهر آدیوجان، شهر امروزی ایلام است (ایزدیناه، ۵۰۲)؛ به این سبب که به نوشته ابودلف، این محل، محل قبر مهدی خلیفه عباسی بوده است: «... از آنجا (آریوحان) تا رد (رد) و براو چند فرسخ است و در آنجا آرامگاه مهدی واقع است» (خزرجی، ۶۱). مرحوم ایزدیناه با توجه به وجود مقبره‌ای از سده‌های نخست اسلامی در شهر ایلام که گفته می‌شود مقبره مهدی خلیفه عباسی است و با استناد به نوشته ابودلف در باب محل قبر مهدی، مکان آدیوجان را در شهر امروزی ایلام دانسته است (ایزدیناه، ۵۳). در باب اینکه منظور ابودلف از قید آنجا آریوجان است یا رد، تردید هست: به نظر قوچانی مترجم سفرنامه ابودلف در این قسمت

۱. با اینکه در منابع دوره اسلامی از شهر آدیوجان - یکی از شهرهای مهم غرب ایران در سده‌های نخست اسلامی - و سکه‌های آن از قرن ۴ق نام برده شده، در *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* تاکنون مدخلی مستقل بدان اختصاص نیافته و ضروری است که به منظور شناساندن بهتر این شهر، مدخلی درباره آن نوشته شود.



دچار اشتباه شده است و مرجع ضمیر به آریوجان باز نمی‌گردد، بلکه منظور رذ است (قوچانی، ۵۲). در این زمینه نوشته‌های سایر مورخان و جغرافی‌نویسان می‌تواند در باره محل آرامگاه مهدی بسیار راهگشا باشد: طبری ضمن نقل روایات مختلف در باب سبب مرگ مهدی، آورده است که مهدی در ایالت ماسبذان و در دهکده‌ای به نام «رذ» در گذشت (طبری، ۱۲/۵۱۴۲). به روایت یعقوبی، مهدی در قریه‌ای به نام الرذ از قرای ماسبذان از دنیا رفت (تاریخ یعقوبی، ۴۰۱/۲-۴۰۲). به نوشته مسعودی در *التنبیه و الاشراف*، مرگ خلیفه مهدی در «رذ» فرا رسید (مسعودی، ۲۹۶). به نوشته یاقوت، در مجاورت ماسبذان در ناحیه جبل (جبال) نزدیک «بندنجین» «ده بالا» ست و قبر خلیفه مهدی در آنجا قرار دارد (یاقوت حموی، ۴۱/۳). در *مجمل‌التواریخ و القصص* آمده است: «و چون سال ۱۶۹ درآمد مهدی به ماسبذان بمرد به دیه رذ» (*مجمل‌التواریخ و القصص*، ۳۳۷/۳). به روایت مؤلف *الفخری* مهدی در ماسبذان مرد (*الفخری*، ۱۴۲). بنا بر تاریخ گزیده نیز، «مهدی به سال ۱۶۹ هجری مُرد و او را در دیه ماسبذان دفن کردند» (مستوفی، تاریخ گزیده، ۳۰۱). خواندمیر نیز همچون دیگر مورخان، مرگ مهدی خلیفه عباسی را در محرم سال ۱۶۹ در صیدگاه قریه‌ای موسوم به ماسبذان نوشته است (خواندمیر، ۲/۲۲۴).

روایات مختلف در باب مرگ و مدفن مهدی به روشنی بر تاریخ مرگ این خلیفه عباسی در سال ۱۶۹ ق در ایالت ماسبذان، که منطقه‌ای گسترده بوده و شهرها و قریه‌های متعددی در حومه آن قرار داشته است، اتفاق نظر دارند. در این بین، برخی (از جمله یعقوبی، مسعودی و طبری) به طور دقیق‌تر به قریه‌ای به نام رذ اشاره کرده‌اند، اما در هیچ یک از آنها به آدیوجان یا اریوجان به عنوان محل مرگ یا مقبره مهدی اشاره نشده است. بنابراین، به نظر می‌رسد منظور ابودلف نیز همان رذ یا رد بوده و در اثر اشتباه مترجم، مرجع ضمیر به اریوجان بازگشته است. اینکه آرامگاه شناسایی شده در شهر ایلام همان مقبره مهدی خلیفه عباسی است یا نه محل بحث ما نیست؛ فرض کنیم که این آرامگاه همان مقبره مهدی باشد - که به احتمال بسیار هست - ولی وجود این آرامگاه در این شهر را نمی‌توان دلیل بر این مسئله دانست که شهر ایلام همان شهر آدیوجان است. ابودلف ذکر می‌کند که در هنگام سفر او این مقبره محو شده و از قسمت‌های بیرونی آن چیزی باقی نمانده است. البته، این نوشته ابودلف نباید ما را گمراه کند که این آرامگاه به خاطر تخریب و آسیب شدید در زمان ابودلف به کلی از

بین رفته و مقبره کنونی متعلق به مهدی نیست، زیرا ممکن است بعد از ابودلف، آن را بازسازی کرده باشند؛ چنانکه برخی منابع تاریخی به بازسازی این مقبره در اواسط قرن ۶ اشاره کرده‌اند (یاقوت حموی، ۶۳۲)، که این نظر را تقویت می‌کند.

منطقه دیگری که برای موقعیت احتمالی شهر آدیوجان مطرح شده است، سومار در استان کرمانشاه و در مرز ایران و عراق است (قوچانی، ۵۳). بر اساس بررسی‌های انجام گرفته، خاک دشت سومار از نظر زمین‌شناسی از نوع خاک‌های حاصلخیز نیست و قابلیت و استعداد شکل‌گیری شهری با اقتصاد مبتنی بر کشاورزی در این حد و اندازه ندارد (گفت وگویی نگارنده با دکتر حجت‌داری، سرپرست بررسی و شناسایی شهرستان سومار). علاوه بر این، به نوشته ابودلف، شهر آدیوجان در دشتی میان کوه‌های پر از درخت واقع شده است و این ویژگی قابل انطباق با سومار نیست؛ زیرا کوه‌های اطراف سومار فاقد پوشش جنگلی است و بعید به نظر می‌رسد که از قرن ۴ تاکنون تغییر چندانی در پوشش جنگلی منطقه رخ داده باشد. نکته دیگر اینکه به تصریح ابودلف، شهر آدیوجان در کنار رودی قرار داشت که به بندنجین (مندلی) می‌ریخت. در منطقه، تنها رود شناخته شده و معروف که به مندلی می‌ریزد، رودخانه کنگیر در دشت ایوان است. اهمیت این رود در اقتصاد استقرهای دشت ایوان به حدی بوده است که در دوره زندیه (۱۲۵۷-۱۲۹۳ق / ۱۸۴۱-۱۷۷۹م)، خان کلهر، سدی بر این رودخانه احداث می‌کند. امروزه نیز در انتهای دره ایوان سدی احداث شده است. روشن است که سد را بر رودی احداث می‌کنند که آب پیوسته جریان داشته و از نظر اقتصادی و سیاسی مقرون به صرفه باشد و رودخانه کنگیر این قابلیت را دارد.

گزینه بعدی برای موقعیت احتمالی شهر آدیوجان، زرنه است که راولینسن آن را معرفی کرده است (راولینسون، ۴۱)؛ این محوطه در دشت ایوان و در فاصله ۸ کیلومتری از رودخانه کنگیر قرار دارد. به نوشته راولینسن، دلیل او برای انتخاب این منطقه این بوده که در آن زمان در قسمت‌های دیگر این منطقه نتوانسته آثاری از یک شهر پیدا کند. راولینسون در فصل زمستان و در هنگامی که برف سراسر منطقه را پوشانده بود، از آن دیدن کرد و سرما و برف مجالی برای دیدن سایر آثار و تپه‌های منطقه برای وی باقی نگذاشت، اما امروزه در بررسی‌های انجام شده در امتداد رود کنگیر آثار و بقایای چندین محوطه بزرگ‌تر از زرنه با شواهدی از دوره ساسانی و سده‌های نخستین دوران اسلامی شناسایی شده و مهم‌ترین آنها محوطه جوی‌زر در کنار رود کنگیر است. علاوه

بر این موضوع، با توجه به دقتی که از ابودلف در ذکر موقعیت‌ها و ویژگی‌های شهرها سراغ داریم، بعید به نظر می‌رسد که ابودلف فاصله یک فرسنگی محوطه زرنه از رود کنگیر را نادیده گرفته باشد و سراغی از این شهر در کنار رود بدهد. در بررسی نگارندگان از این محوطه نیز هیچ‌گونه شواهدی از دوره اسلامی کشف نشد. به نظر می‌رسد که این محوطه مربوط به دوره اشکانی باشد، در حالی که با توجه به اشارت متون تاریخی و سکه‌های موجود، شهر آدیوجان در سده‌های نخست دوره اسلامی رونق داشته و اوج شکوفایی آن مربوط به دوره آل حسنویه در سده‌های ۴ و ۵ ق بوده است.

## ۶. مکان‌یابی آدیوجان

### ۶-۱. شواهد جغرافیای تاریخی

برخی از پژوهشگران برای موقعیت شهر آدیوجان به شهرستان ایوان اشاره کرده‌اند (مینورسکی، ۱۳۶۲؛ محمدی، ۱۳۷۶)؛ هرچند که به طور دقیق موقعیت مکانی شهر را در شهرستان ایوان مشخص نکرده‌اند و در مواردی هم که از محوطه‌ای سخن به میان آورده‌اند، شواهد تاریخی و باستان‌شناسی کافی و مستدل به دست نداده‌اند، اما فرضیات آنها جای تأمل بیشتری دارد. متون مکتوب نیز برخی ویژگی‌ها و نشانه‌ها برای شهر آدیوجان ارائه می‌دهند (نک: بخش آدیوجان در منابع مکتوب) که می‌توانند در شناخت موقعیت آدیوجان یاری رسانند. بنابراین، با توجه به این مسائل و براساس نتایج حاصل از بررسی این منابع نتیجه می‌گیریم:

۱. شهر آدیوجان / آریوجان در غرب ایران و در محدوده ایالت ماسبدان در منطقه‌ای کوهستانی و در وسط دشتی که اطراف آن را کوه‌های پر از درخت دربرگرفته بود قرار داشته است.

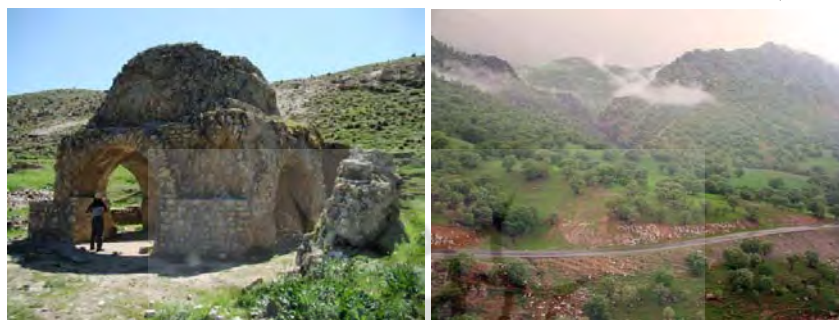
۲. این شهر در کناری رودی واقع شده بود که به بندنجین (مندلی) می‌ریخت.

۳. در داخل این شهر و در اطراف آن چشمه‌های آبی جریان داشته و آب آن چشمه‌ها دارای املاح معدنی بوده است.

۴. این شهر در فاصله نزدیک شهر شیروان و در مسیر حرکت از شمال به جنوب بر سر راه آن قرار داشته است.

۵. از میزان خراج آن، چنین می‌نماید که این شهر دارای محیطی مناسب برای اقتصاد کشاورزی بوده است.

در ابتدای کار با نگاهی به دشت ایوان مشخص می‌شود که این دشت دارای اولین نشانه هست: ایوان یکی از دشت‌های میان‌کوهی زاگرس است که کوه‌های اطراف آن، پوشیده از درختان انبوه بلوط است. سیاحان بر جنگل‌های انبوه بلوط تأکید کرده‌اند. راولینسون در همین زمینه نوشته است: در تمام مناطق زاگرس که در آنها سفر کرده‌ام، جنگل‌های به انبوهی جنگل‌های اطراف ایوان ندیدم (راولینسون، ۴۳). این دشت از چهار طرف در میان کوه محصور شده است: از شمال و غرب کوه بانکول و از سمت جنوب هم کوه شره‌زول آن را در بر گرفته است (تصویر ۲).



تصویر ۲. پوشش جنگل‌های کوه‌های اطراف ایوان. مأخذ: نگارندگان تصویر ۳. چهار طاقی سیاهگل، مأخذ: نگارندگان

مشخصه دوم، وجود آبهای معدنی و گوگردی و معدن زاج و شوره و املاح دیگر در این شهر است که ابودلف نیز گزارش کرده است. علاوه بر ابودلف، مؤلفان دیگری نیز به معادن ماسبندان و آریوحان اشاره کرده‌اند؛ لسترنج به نقل از قزوینی، به معادن گوگرد، زاج، پوره و نمک ماسبندان سخن به میان آورده است (نک: لسترنج، ۲۱۸). این پدیده‌های طبیعی امروزه نیز در دشت ایوان وجود دارند: چشمه‌ای که آب آن مضر است در روستای هلش (امام‌زاده عبدالله کنونی) و چشمه آب گوگردی در بیجار بولی. علاوه بر این، در روستای سیاهگل در جنوب ایوان، چشمه‌ای جریان دارد که آب آن تیره است. در این محل معدن بیتومینی شناسایی شده و سبب تیرگی رنگ آب‌های اطراف همان است. به خاطر آلودگی‌های زیست‌محیطی، برداشت از این معدن متوقف شده است. در جنوب این روستا چارتاقی از دوره ساسانی هست که آن هم به نام سیاهگل معروف شده است. این معدن در غرب شهر ایوان در کنار جاده دسترسی به روستای سیاهگل در مجاورت رودخانه کنگیر واقع شده است (تصویر ۴). بنا بر این شواهد، منابع معدنی و چشمه‌های اشاره شده در منابع تاریخی در اطراف ایوان وجود دارند.



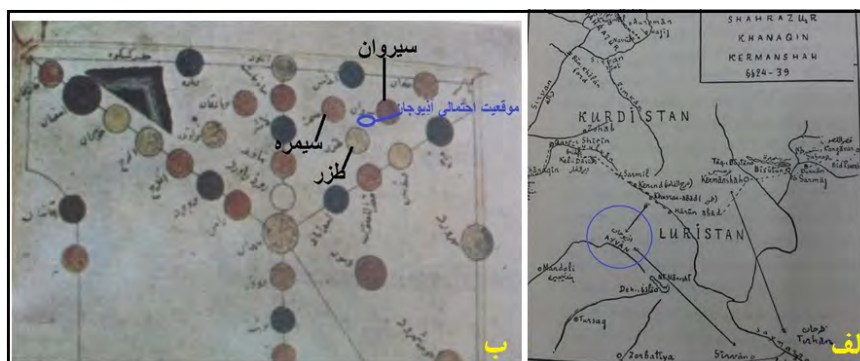
تصویر ۴. معدن بیتومین سیاهگل. مأخذ: نگارندگان.

نشانه بعدی، وقوع شهر آدیوجان در کنار رودی است که به بندنجین می‌ریزد. در منطقه غرب ایران و استان ایلام تنها رود شناخته شده و معروف که به بندنجین (مندلیج، مندلی) می‌ریزد رودخانه کنگیر است. این رودخانه از کوه بانکول و شره‌زول در شهرستان ایوان سرچشمه می‌گیرد. رودخانه کنگیر در دشت ایوان به سمت غرب ادامه مسیر می‌دهد و پس از مشروب کردن بخش وسیعی از زمین‌های دشت ایوان، در انتهای دشت و جنوب غرب روستای سرتنگ به طرف جنوب تغییر مسیر می‌دهد و از دره‌های باریک و پر پیچ‌وخمی می‌گذرد و وارد سومار می‌شود و پس از آن به مندلی می‌ریزد. از سرچشمه تا مندلی مسافتی ۱۰۰ کیلومتری را طی می‌کند. این رودخانه نقش چشمگیری در تشکیل و شکوفایی استقرارهای دره ایوان داشته است. شهر آدیوجان در سرچشمه این رود و در منطقه‌ای حاصلخیز شکل گرفته است. این رودخانه و نحوه استفاده از آب آن یکی از مسائل مناقشه برانگیز مرزی بین ایران و عثمانی و بعدها عراق بوده است (اکبری و یاری، ۲۰۰۵).

فاصله بین شهر آدیوجان و دیگر شهرهای منطقه، که در منابع تاریخی ذکر شده نیز، در مکان‌یابی شهر آدیوجان می‌تواند مدد برساند. ابودلف که در قرن ۴ از راه عراق کنونی وارد غرب ایران شد، ضمن دیدار از شهرهای مسیر سفر، توصیفات دقیقی به دست داده است. ترتیب ذکر اسامی شهرهای که وی به آنها سفر کرد، نشان می‌دهد که وی از سمت شمال به جنوب سفر کرده است. مینورسکی با توجه به مسیر سفر ابودلف،

نقشه‌هایی از مسیر حرکت او و موقعیت شهرهای که از آنها دیدن کرد، تهیه کرده است (تصویر ۵ الف). موقعیت شهر آدیوجان در نقشه وی، در جنوب شهر طَزَر و شمال سیروان/ شیروان، موقعیت امروزی ایوان منطبق است. در نقشه ارائه شده از شهرهای ایالت جبال در کتاب استخری، شهرهایی که ابودلف در سفرنامه‌اش از آنها نام برده، آمده است جز آدیوجان. در این نقشه و با توجه به مسیر سفر ابودلف و ترتیب اسامی شهرهایی که وی از آنها دیدن کرده است و مقایسه و مطابقت موقعیت آنها با شهرهای موجود در نقشه استخری، می‌توان موقعیت آدیوجان را در شمال غرب شهر سیروان و جنوب طزر نشان داد که با موقعیت امروزی ایوان در شمال استان ایلام تطابق دارد (تصویر ۵ ب).

علاوه بر این، نکته دیگری که فرضیه تطبیق آدیوجان را با ایوان تقویت می‌کند، وجه تسمیه ایوان و ارتباط و نزدیکی آن با نام آدیوجان است: نام آذین به صورت مفرد یا مرکب (آذین گشنسب، آذین بنداد) از دوران ساسانی تا سده ۳ ق بر چند تن از افراد نامی اطلاق شده است، از آن جمله پسر هرمزان. مراد از هرمزان، همان سردار معروف ایرانی است که از خاندان‌های بزرگ و حکومتگر دوره ساسانی و فرمانروای مهرجانقدق بوده است (آذرنوش، ۲۶۸). در نزدیکی این ایالت، ایالت ماسبدان قرار داشت که تختگاه آن سیروان بود و در دشت‌های همین ایالت، آذین پسر هرمزان کشته شد. طبری در باب چگونگی فتح ماسبدان به نقل از منابع خود آورده است: «چون هاشم بن عقبه از جلولاء به مداین بازگشت به سعد بن ابی وقاص خبر داد که آذین بن هرمزان گروهی گردآورده و به دشت ماسبدان فرود آمده است. سعد در این باب به عمر خطاب نامه نوشت عمر به وی فرمان داد ضرار بن خطاب را با سپاهی به مقابله آنان روانه کند. ضرار با سپاه بیامد و این هذیل را به مقدمه سپاه گماشت چون به دشت ماسبدان رسیدند در جای بنام بهندف با سپاه آذین تلاقی کردند و جنگ درگرفت. مسلمانان پیش دستی کردند و ضرار آذین را اسیر کرد. پس لشگریان آذین فرار کردند. ضرار آذین را پیش آورد و گردن او را زد سپس به دنبال فراریان رفتند تا به سیروان رسیدند پس ماسبدان را به جنگ فتح کردند و مردم آن به کوهها پناه بردند» (طبری، ۱۵ / ۲۴۷۸). این روایت، می‌تواند سندی بر تأیید حکمرانی هرمزان بر این منطقه باشد.



تصویر ۵. موقعیت آدیوجان بر روی نقشه مینورسکی از مسیر سفر ابودلف در غرب ایران (الف) و صوره جبال و موقعیت شهرهای سیمره و شیروان در آن (ب). مأخذ: استخری، ۱۱۷) در این نقشه موقعیت احتمالی آدیوجان در شمال شرق شیروان مشخص شده است.

این روایت نشان می‌دهد که آذین در یکی از دشت‌های ماسبذان به دست ضرار کشته شد. محلی که آذین در آن پناه گرفت، می‌باید برای تدارک سپاه و اسکان نیروها شرایط مناسب می‌داشت. دشت ایوان با توجه به موقعیت دفاعی طبیعی آن، وجود رودخانه کنگیر و زمین‌های مرغوب کشاورزی، می‌توانست گزینه مناسبی برای این هدف باشد. وجود آثار و شواهد چشمگیر معماری دوره ساسانی در ایوان، نشان‌ای از اهمیت آن در دوره ساسانی است. از جمله این آثار محوطه گنبد جهانگیر در ساحل شمالی رودخانه کنگیر و قلعه شمیران در منتهی‌الیه جنوب‌غربی دره ایوان است. قلعه شمیران در موقعیتی استراتژیک در ابتدای راه ورود به ایوان از سمت جنوب و غرب ساخته شده است. کوه‌های اطراف، دشت ایوان را همچون حصاری مستحکم دربرگرفته‌اند و تنها معبر طبیعی برای ورود به دشت ایوان، از سمت جنوب و غرب از کنار قلعه شمیران می‌گذرد که راه ارتباطی امروزی ایوان به سمت غرب و کشور عراق و کرمانشاه از آنجاست. توجه به موقعیت قلعه شمیران و راه‌های ارتباطی دشت ایوان، به روشنی حاکی از نقش امنیتی و حفاظتی قلعه شمیران است. به نظر می‌رسد محلی که آذین به آن پناه برد و در آنجا کشته شد، همین دشت ایوان بود. شاید بعد از کشته شدن آذین در این محل، نام آذین بر آن باقی‌ماند و در دوره‌های بعد برای نامیدن شهری که در آنجا شکل گرفت، به کار رفت. باید توجه داشت که نام جایها نمی‌تواند بی‌مناسبت باشد. توجه به نام‌های آدیوجان، آدیوخان، اریوجان و در این اواخر ایوان، در کنار آگاهی از روایت مذکور،

می‌تواند ما را به این نتیجه و فرضیه نزدیک کند که در نام شهر آدیوجان و بعدها ایوان، شاید اشاره‌ای به آذین باشد. وستنفلد<sup>۱</sup> نیز به شباهت اسمی این دو نام اشاره کرده است. شاید آریوجان نیز باید آدیوجان باشد. نکته دیگر در این روایت، موقعیت مرگ آذین (بهندف = آدیوجان سده‌های بعد) نسبت به سیروان/ شیروان است: بنا بر روایت، ضرار سر در پی فراریان جنگ که از بهندف به سیروان گریخته بودند، نهاد. با توجه به جهت حرکت نیروهای سپاه اسلام از غرب به شرق و راه ارتباطی بین آدیوجان و سیروان که ابودلف نیز از همان مسیر سفر خود را طی کرد، موقعیت آدیوجان در شمال غرب سیروان پذیرفتنی می‌نماید و این موقعیت، با ایوان امروزی تطبیق دارد.

## ۲-۶. شواهد باستان‌شناسی محوطه جوی زر

با توجه به مطالب مذکور، به نظر نگارندگان، منطقه‌ای که در آن باید در پی شهر آدیوجان بود، شامل دشت ایوان و در امتداد رود کنگیر است. شواهد باستان‌شناسی نیز، حاکی از رونق و شکوفایی دشت ایوان در دوره ساسانی و سده‌های نخست دوره اسلامی است. از جمله می‌توان به بنای ارزشمند گنبد جهانگیر (امان‌الهی، ۱۳۹۴؛ خسروی، ۱۳۹۵)، بنای معروف به گوریه و کلک (مرادی، ۱۳۸۲؛ خسروی، ۱۳۹۴)، آتشکده سپاهگل در غرب ایوان و قلعه حفاظتی شمیران و همچنین تپه‌ها و محوطه‌های چندی با شواهدی از اواخر دوره ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی اشاره کرد. از جمله مهم‌ترین محوطه‌های دره ایوان با شواهد دوره ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی، محوطه جوی زر در ساحل رودخانه کنگیر است (پیرانی، ۱۳۸۲) (تصویر ۶). داده‌های سفالی و شواهد معماری این محوطه، حاکی از اهمیت و موقعیت ویژه آن در بین سایر محوطه‌های دره ایوان است. این محوطه در غرب شهر ایوان در حاشیه جنوبی جاده آسفالتی ایوان به کرمانشاه و در فاصله ۶۰۰ متری شمال رود کنگیر و در مختصات جغرافیایی ۳۳۵۱۴۳ شمالی و ۴۶۱۵۵۷ شرقی واقع شده است. ارتفاعات بانکول در شمال و شره‌زول در جنوب آن را در بر گرفته‌اند. در باب وجه تسمیه آن چیزی دانسته نیست، اما احتمالاً این نام بر گرفته از دو کلمه جوی (رود) و زر است و احتمالاً در گذشته و در هنگام طغیان رودخانه کنگیر، به سبب نزدیکی آن به محوطه باستانی، قسمت‌های از آن شسته می‌شده و در اثر آن، آثار باستانی به دست می‌آمده و به همین سبب به آن «جوی زر» می‌گفته‌اند. این محوطه در حاشیه جنوبی جاده ارتباطی ایوان به

1. Wüstenfeld.



کرمانشاه و نزدیک روستای اسماعیلی واقع شده است. این محوطه بخشی از محوطه بزرگ‌تری است که از جنوب به روستاهای نرگسی، بان‌گر و حصار شاه محدود می‌شده است. در روستای حصارشاه (حصار شاه)، بخش‌هایی از دیواری قطور به عرض دو متر باقی‌مانده است و با توجه به همین دیوار، این روستا را حصار شاه می‌نامند. در اطراف چشمه آب نزدیک روستای دویران در کوه بانکول، تنبوشه‌های سفالی باقی‌مانده است و از آن طریق، آب این چشمه را به داخل شهر انتقال می‌داده‌اند و اکنون نزد مردم محلی به جوب‌شهر معروف شده است. وقوع این محوطه در حاشیه رودخانه کنگیر و نزدیکی آن به روستاهای اطراف موجب تخریب آن در سالیان گذشته شده است. به دنبال قانون اسکان عشایر در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴-۱۳۲۰ش)، طوایفی که تا قبل از آن به صورت کوچ‌رو زندگی می‌کردند، به اجبار در دشت‌ها و کوهپایه‌های زاگرس یکجانشین شدند. با شکل‌گیری روستاهایی در اطراف رودخانه کنگیر، اهالی این روستا از مصالح شهر قدیمی برای ساخت خانه‌های خود استفاده کردند. علاوه بر این، قانون اصلاحات ارضی دوره پهلوی دوم و شکل‌گیری خرده مالکان، موجب تقسیم‌بندی زمین‌های کشاورزی اطراف رودخانه کنگیر گردید و به دنبال آن، کشاورزان زمین‌های خود را توسعه دادند و محدوده شهر قدیمی به مرور زمین کشاورزی شد. همچنین فعالیت‌های کشاورزان برای هموارتر کردن زمین‌ها و تعیین حدود مرزی زمین‌ها، موجب می‌شد دیوار بناهای شهر به سرعت تخریب شود و آثار آن از بین برود. آنچه از این محوطه باقی ماند، وضعیت امروزی است، شامل سه برجستگی با ارتفاع ۳ متر از سطح زمین‌های اطراف، که عملیات کشاورزی و شخم‌زنی و همچنین حفاران غیر مجاز، موجب تخریب بخش اعظم آن گردیده و قسمت‌های باقی‌مانده در زیر رسوبات دفن شده است.



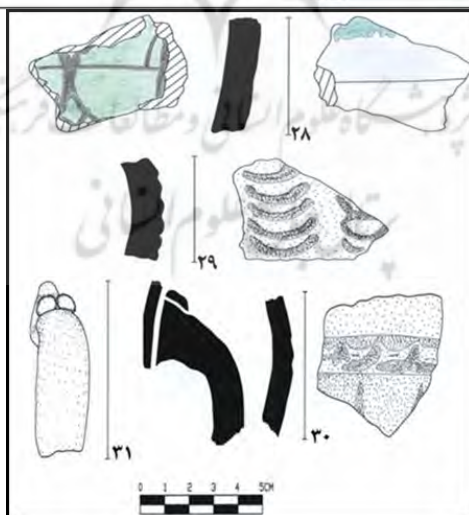
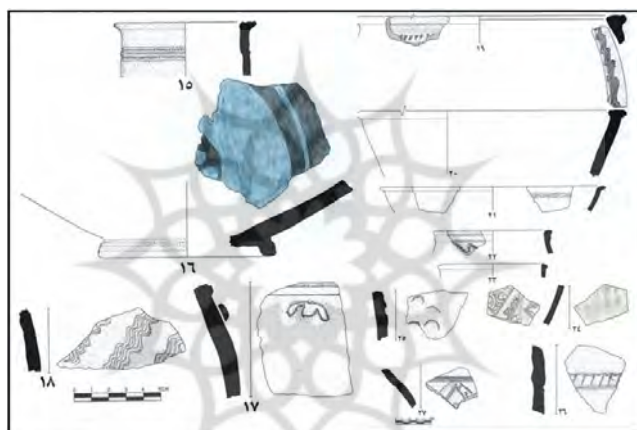
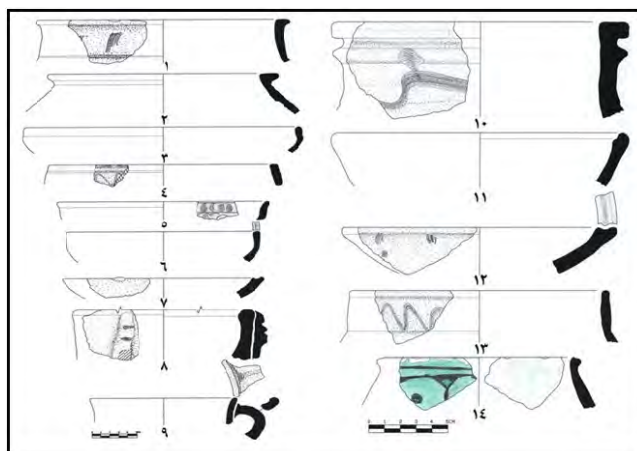
تصویر ۶. نمای از محوطه جوی زر، مأخذ: نگارندگان

براساس اندازه‌گیری‌های اولیه از برجستگی اصلی، مساحت این محوطه ۱۰ هکتار بیان شده است (پیرانی، ۴)، اما در دیدار نگارندگان از این محوطه مشخص شد که ابعاد آن بسیار بزرگ‌تر از این مقدار بوده است و گستره آن به روستاهای حصارشاه، و بانگره در جنوب رودخانه کنگیر نیز می‌رسد. با توجه به پراکندگی داده‌های فرهنگی (سفال و معماری و ...) مساحت آن به بیش از بیست هکتار نیز می‌رسد. پراکنش سفال‌های لعاب دار دوره اسلامی تا شعاع ۱ کیلومتر برجستگی مرکزی دیده می‌شود و نشان از گستردگی عرصه این محوطه دارد. در برجستگی اصلی تجمع سنگ دیده می‌شود و در این قسمت بخشی از یک دیوار با مصالح سنگ و ملات گچ باقی‌مانده است. در این قسمت همچنین اتاق بزرگی با تاق هلالی باقی مانده و در اطراف آن حجم انبوهی از سنگ‌های لاشه پراکنده است (تصویر ۷). سفال‌هایی که از سطح این شهر جمع آوری شد، حاکی از دوره‌ای از اواخر ساسانی تا سده‌های ۴ و ۵ ق است (یوسفوند، ۱۴۰) (تصویر ۸ و جدول ۱).



تصویر ۷. آثار معماری محوطه جوی‌زر، مأخذ: پیرانی، ۱۳۸۲.

بیشترین فراوانی سفال‌ها مربوط به سده‌های نخست اسلامی است و در بین آنها، گونه‌های سفالی با نقش‌کننده زیر لعاب (اسگرافیاتو) و سفال با نقاشی زیر لعاب دیده می‌شود (تصاویر سفال‌ها)، که حاکی از رونق این شهر در سده ۴ و ۵ ق است؛ هم‌زمان با اوج قدرت حکومت آل حسنویه در غرب ایران، که شواهد متون تاریخی نیز آن را تأیید کرد. علاوه بر قطعات پراکنده سفالی، در بررسی نگارندگان در سطح این محوطه، نمونه‌هایی از سرباره‌های کوره‌های سفال‌پزی کشف شد که نشان دهنده کارگاه‌های سفالگری و کوره‌های پخت سفال در این شهر است. در گزارش بررسی‌های شهرستان ایوان به مواردی دیگری از این سرباره‌ها در محوطه‌های نزدیک به جوی‌زر اشاره شده است (پیرانی، ۳۵).



تصویر ۸. گزیده‌ای از سفال‌های محوطه جوی زر. مأخذ: نگارندگان.

## جدول ۱. مشخصات فنی سفال‌های محوطه جوی زر

ردیف	مشخصات:	دوره	منبع مقایسه
	نوع قطعه، رنگ خمیره، ماده چسباننده، نوع ساخت، میزان یخت، ضخامت، رنگ پوشش درون، رنگ پوشش بیرون، نوع تزیین		
۱	لبه(کوزه)، نخودی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقوش شانه‌ای عمودی و افقی زیر لبه	ساسانی	Alden anbalcer, 1978, fig 6: type 21 محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۴۱. تصویر ۱۴
۲	لبه(خمیره)، نخودی، ماسه نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، بدون تزیین	ساسانی	محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۴۸. شکل ۴۰
۳	لبه(کاسه)، قرمز نارنجی، ماسه نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، بدون تزیین	ساسانی - اسلامی	-----
۴	لبه(کاسه)، قرمز نارنجی، ماسه نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، بدون تزیین	اسلامی	-----
۵	لبه، نخودی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقش کنده زیر لعاب سفید	قرن ۵ هجری	کلایس، ۱۳۸۵: تصویر ۲۹؛ شکل ۱
۶	لبه، خاکستری، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، کرم، کرم، نقوش شیار فرو رفته روی لبه	ساسانی	Alden and balcer, 1978: fig 6, No 25 محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۳۹. تصویر ۷ و ۱۱
۷	لبه، نخودی، ترکیب شن نرم و کاه، چرخساز، کافی، ظریف، نخودی، نخودی، نقوش افزوده	ساسانی	Kennet, 1978: fig 2, No 93
۸	لبه(کوزه با دسته عمودی)، نخودی، شن نرم و ماسه، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقوش طناب‌ری روی دسته		
۹	لبه(کوزه با دسته عمودی)، قرمز نارنجی، ماسه، چرخساز، کافی، ظریف، نارنجی، نارنجی، فاقد تزیین	ساسانی	حسن پور، ۱۳۹۳: ۱۸۴ تصویر ۴-۸ شکل ۵
۱۰	لبه، نخودی، ذرات شن و ماسه، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقش افزوده افقی و نقوش موج شانه‌ای زیر لبه	ساسانی	حسن پور، ۱۳۹۳: ۱۸۴ تصویر ۴-۶ شکل ۱ محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۴۸. شکل ۳۷
۱۱	لبه(کاسه)، قرمز نارنجی، شن نرم، چرخساز، کافی متوسط، نارنجی، نانجی، فاقد تزیین	ساسانی	محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۳۹. تصویر ۷ و ۱۱
۱۲	لبه(کاسه)، نخودی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، شیار افقی روی لبه	ساسانی	Kennet, 1978, fig 2: type 33 خسروزاده، ۱۳۸۴: ص ۱۷۰. طرح ۵ محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۳۹. تصویر ۷ و ۱۱
۱۳	بدنه(کوزه)، نخودی، ماسه و شن نرم، چرخساز، کافی، ظریف، نخودی، نخودی، نقش کنده موج زیر لعاب	سده ۵ و ۴ هجری	----
۱۴	بدنه(خمیره کوچک)، قرمز نارنجی، ماسه نرم، چرخساز، کافی، ظریف، لعاب سبز، نقوش کنده زیر لعاب (اسگرافیاتو از نوع گروس)	سده ۵ و ۴ هجری	----

حسن پور، ۱۳۹۳: ۱۸۴ تصویر ۴-۱۳ شکل L-502- 5017-n-1	ساسانی	لبه(کوزه)، نخودی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، شیار افقی روی لبه و زیر لبه	۱۵
----	سده ۵ و ۶	کف(کاسه بزرگ)، قرمز نارنجی، شن نرم، چرخساز، کافی، ظریف، قرمز نارنجی، قرمز نارنجی، لعاب فیروزه‌ای و نقش کنده زیر لعاب با نقوش دو دایره متحدالمرکز در کف.	۱۶
----		بدنه، قرمز نارنجی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی تیره، نقش افزوده در بیرون	۱۷
محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۴۳. تصویر ۳۳	ساسانی	بدنه، قرمز نارنجی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، خطوط کنده موج در بیرون	۱۸
	سده ۵ و ۶	لبه، نخودی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، لعاب فیروزه‌ای(فریت)	۱۹
محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۱۳۹. تصویر ۷ و ۱۱ و ۲۸	ساسانی	کف، نارنجی، ماسه و شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نارنجی، نارنجی، نقش کنده زیر لعاب سفید	۲۰
-----	سده نخستین اسلامی	بدنه، قرمز نارنجی، ماسه نرم، چرخساز، کافی، متوسط، لعاب سفید در درون و بیرون، نقش کنده زیر لعاب در داخل ظرف (نقوش شبیه خط)	۲۱
		بدنه، کرم رنگ، ماسه و شن نرم، چرخساز، کافی، ظریف، کرم، کرم، نقش کنده	۲۲
محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۳۹. تصویر ۸	ساسانی	لبه(کاسه)، قرمز نارنجی، ماسه نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، فاقد تزیین	۲۳
	سده های ۴ و ۵ هجری	بدنه، قرمز نارنجی، ماسه نرم، چرخساز، کافی، ظریف، نارنجی، نارنجی، نقوش کنده گیاهی و هندسی زیر لعاب سفید(اسگرافیاتو)	۲۴
محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۵۰. تصویر ۴۳	ساسانی	بدنه، قرمز نارنجی، ماسه نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقش فلسی،	۲۵
محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۵۰. تصویر ۳۶	ساسانی	بدنه، قرمز نارنجی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، تزیین طنابی خطی در بیرون	۲۶
محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۵۰. تصویر ۳۴	ساسانی	بدنه، نخودی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، تزیین کنده شیار ریز در بیرون	۲۷
-----	سده های ۲ و ۴ هجری	بدنه، قرمز نارنجی، شن نرم، چرخساز، کافی، ظریف، نارنجی، نارنجی، نقوش کنده زیر لعاب سبز زیتونی، (اسگرافیاتو از نوع گروس)	۲۸
حسن پور، ۱۳۹۳: ۲۰۶ تصویر ۴-۲۰ شکل ۴ محمدی فر، ۱۳۹۳: ۱۵۰. تصویر ۳۶	ساسانی	بدنه، نخودی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقش فلسی	۲۹
-----	ساسانی	بدنه، نخودی، شن نرم، چرخساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقوش طنابی افقی در بیرون	۳۰
-----		دسته افقی، نخودی، شن نرم، دست‌ساز، کافی، متوسط، نخودی، نخودی، نقوش تکمه‌ای افزوده	۳۱

## ۷. متروک شدن شهر آذیوجان

در هیچ یک از منابع تاریخی بعد از سده ۵ ق، از آذیوجان همچون شهری زنده نامی به میان نیامده است. و این نشان می‌دهد که از این تاریخ به بعد، آذیوجان متروک بوده است. شواهد باستان‌شناختی شامل یافته‌های سفالی نمونه‌برداری شده از سطح شهر نیز متروکه شدن شهر را از قرن ۵ق به بعد تأیید می‌کند (پیرانی، ۱۳۸۲؛ یوسفوند، ۱۰۳). تقریباً هم‌زمان با این تاریخ، سایر شهرهای ایالت‌های ماسبذان و مهرجان‌قدق هم‌چون سیروان و سیمره نیز متروک شده‌اند. احتمالاً عاملی مشترک در این زمینه مؤثر بوده است. در برخی منابع تاریخی به زلزله خیز بودن ولایت‌های ماسبذان و مهرجان‌قدق و وقوع زلزله‌هایی در شهرهای سیمره و سیروان اشاره شده است (ابن‌اثیر، ۴۳۱۶/۱۲؛ مقدسی، ۳۵۸؛ مسعودی، *التنبیه و الاشراف*، ۴۴). در این زمینه، مسعودی به وقوع دو زلزله شدید در قرن ۴ق در ماسبذان و مهرجان‌قدق اشاره کرده است. برخی پژوهشگران نیز با استناد به این منابع، زلزله‌ها را عامل متروکه شدن شهرهای منطقه به ویژه سیروان و سیمره دانسته‌اند. هرچند با استناد بر متون تاریخی، وقوع زلزله در قرن ۳ و ۴ق در منطقه و به ویژه در شهرهای سیمره و سیروان حتمی به نظر می‌رسد، اما شدت آن چندان نبوده که در متون تاریخی آمده است؛ این زلزله‌ها نمی‌توانسته موجب متروکه شدن منطقه شده باشد. شواهد متقنی از رونق شهرهای منطقه پس از تاریخ‌های ذکر شده برای هر دو زلزله در دست است. بنابراین، در کنار بلاهای طبیعی باید نقش عوامل مهم‌تر دیگری از جمله، مسائل سیاسی و اقتصادی را در کاهش اهمیت شهرهای منطقه و متروک شدن آنها در نظر گرفت. بدون شک، رونق شهر آذیوجان در کنار استعدادها و زیست‌محیطی و موقعیت مناسب ارتباطی آن، تا حد قابل توجهی متأثر از حضور مقتدرانه آل‌حسنویه و حمایت‌ها و کوشش‌های امرای این سلسله محلی برای عمران و آبادانی این قلمرو بوده است. در زمان اوج قدرت این سلسله در اواخر سده ۴ق، سراسر غرب ایران، از جمله استان‌های امروزی لرستان، همدان، کرمانشاه، کردستان، ایلام و شمال خوزستان را در تصرف داشتند (قوچانی، ۵۶). حاکمان این سلسله محلی، اهتمام ویژه‌ای در عمران و آبادانی منطقه، به ویژه در زمینه ساخت و گسترش راه‌های ارتباطی نشان می‌دادند. در منابع تاریخی به موارد متعددی از این دست کوشش‌ها اشاره شده است و شواهدی باستان‌شناسی نیز آن را تأیید می‌کند. منطقه تحت نفوذ آل‌حسنویه به سبب نزدیکی به بغداد مرکز خلافت اسلامی و نقش حائل بین خلافت و آل‌بویه، اهمیت

بیشتری یافت. امرای آل‌حسنویه با درک درست از شرایط سیاسی زمانه و با توجه به موقعیت ویژه منطقه تحت نفوذ خود، زمینه رونق هرچه بیشتر شهرهای آن را فراهم کردند. از اوایل سده ۵ق به دنبال ضعف در ارکان حکومت آل‌حسنویه بر اثر اختلافات داخلی و سپس شکست آنها از آل‌بویه (حک: ۹۳۴-۱۰۵۵ه)، قلمرو ایشان به شاپورخواست (خرم‌آباد) و قلعهٔ سرماج محدود ماند و از تسلط آنها بر غرب ایران کاسته شد. همزمان با این تنزل، شهر آدیوجان نیز به مرور از رونق افتاد. حکومت‌های پس از آل‌حسنویه برای آبادانی منطقه فعالیت چندانی نکردند. با روی کار آمدن مغولان و با انتقال مراکز حکومتی از غرب به مناطق مرکزی ایران، مسیرهای ارتباطی و بازرگانی، از عوامل اصلی رونق شهر آدیوجان، جابجا شدند. این عامل بیش از پیش از رونق ایالت ماسبدان و شهرهای آن کاست و رو به متروکه شدن رفت. از این زمان به بعد، منطقه اهمیت گذشته را از دست داد و محیط‌های شهرهای آن همچون سیمره، آدیوجان و سیروان متروک شدند و زندگی کوچ‌نشینی، یعنی سنت دیرینه در منطقه، گسترش بیشتری یافت و کم‌کم جایگزین زندگی مبتنی بر شهرنشینی در منطقه شد.

## ۸. نتیجه‌گیری

آدیوجان یکی از مهم‌ترین شهرهای غرب ایران در اواخر دورهٔ ساسانی و سده‌های نخست دوران اسلامی بود و کوشش شد با مطالعهٔ منابع تاریخی و بررسی شواهد باستان‌شناسی درکی کلی از موقعیت مکانی آن در نقشهٔ امروزی غرب ایران حاصل شود. جغرافی نویسان و مورخان دورهٔ اسلامی، حدود جغرافیایی این شهر را در ایالت ماسبدان ذکر کرده و مشخصاتی را به آن نسبت داده‌اند؛ وقوع آن در دشتی میان کوه‌های پر از درخت، در کنار رودخانه‌ای که به بندنجین (مندلی) می‌ریزد و هم‌چنین وجود چشمه‌های آبی با املاح معدنی در اطراف. این ویژگی‌ها با موقعیت دشت میان کوهی ایوان مطابقت دارد. کوه‌های اطراف ایوان پوشیده از جنگل‌های انبوه بلوط است و رودخانهٔ کنگیر در این دشت جریان دارد، که پس از عبور از ایوان به مندلی (بندنجین) می‌ریزد. در اطراف ایوان، چشمه‌های آب دارای مادهٔ معدنی بیتومین است. شواهد ذکر شده، در کنار توجه به نام ایوان که می‌تواند صورت تغییر یافتهٔ آدیوجان باشد این نظر را تقویت می‌کند که شهر آدیوجان در درهٔ امروزی ایوان قرار داشته است. بنابراین، از میان فرضیات مطرح برای موقعیت شهر آدیوجان، درهٔ ایوان در امتداد رودخانه کنگیر پذیرفته شد و محوطهٔ جوی‌زر در غرب شهر ایوان در یک کیلومتری شمال رودخانه کنگیر برای محل احتمالی

آن پیشنهاد می‌شود. دره ایوان به سبب برخورداری از امکانات زیست‌محیطی، همچون پوشش جنگلی مناسب، زمین‌های کشاورزی و منابع آبی فراوان (به صورت رودخانه و چشمه)، موقعیت مناسب ارتباطی آن در بین راه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین امکانات طبیعی دفاعی آن، در اواخر دوره ساسانی و سده‌های نخست دوران اسلامی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری شهر آدیوجان بوده است. محوطه جوی‌زر در کنار رودخانه کنگیر با شواهد سفالی و معماری شاخصی از اواخر دوره ساسانی و سده‌های نخست اسلامی به عنوان موقعیت مکانی این شهر پیشنهاد می‌شود. در بین مجموعه سفال‌های به دست آمده از این محوطه، انواع سفال‌های لعاب‌دار، سفال بدون لعاب با نقوش افزوده و کنده و سفال نقش‌کنده زیر لعاب به دست آمد، که حاکی از رونق این شهر در سده‌های متقدم دوره اسلامی است و منطبق با دوره حکومت آل حسنویه بر این منطقه. در باب تاریخ احداث این شهر مدارک متقن و مستندی در دست نیست و متون تاریخی در این زمینه اطلاعات دقیقی به دست نمی‌دهند، اما با توجه به اشاره‌های متون تاریخی به فرار آذین پسر هرمزان از مهرجانقذق به ماسبدان و اریوحان برای تدارک سپاه در برابر سپاه اعراب، می‌توان گفت که در اواخر دوره ساسانی این شهر وجود داشته است، در میان سفال‌های به دست آمده از محوطه جوی‌زر، نمونه‌های متعددی از دوره ساسانی هست که نشان‌دهنده استقرار در آن در دوره ساسانی است. این شهر در سده‌های نخستین اسلامی توسعه یافت و در پی گسترش قدرت آل حسنویه در سده ۴ق به عنوان دومین شهر حاکم‌نشین ایالت ماسبدان سربرآورد، تا آنجا که که ضرابخانه‌ای در آن دایر شد و کرسی حکومتی نیز به آن تعلق گرفت. با افول قدرت آل حسنویه و محدودیت قلمرو آنها به شاپورخواست، از سده ۵ق و به دنبال آن، کاهش اهمیت راه‌های ارتباطی منطقه به سبب انتقال مراکز حکومتی و جابجایی در مسیرهای ارتباطی، از رونق آدیوجان کاسته شد و دیگر نامی از آن در منابع به میان نیامد. کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه جوی‌زر ضمن اینکه شواهد ارزشمندی در باب این محوطه به دست داد، می‌تواند فرضیه تطبیق آدیوجان را بر آن، تأیید یا رد کند.

### تقدیر و تشکر

از آقای فرامرز رنجبر، مدیریت وقت و خانم پریسا گردیبگی مسئول بخش سکه موزه رضا عباسی به خاطر ارائه تصاویر سکه‌های شهر آدیوجان و از آقایان اسدالله جودکی عزیز دکتري باستان‌شناسی دوران اسلامی و فرشاد کرمزاده دکتري تاریخ ایران در دوران اسلامی به خاطر در اختیار نهادن برخی از منابع تحقیق و ارائه نظرات ارزشمندشان، صمیمانه تشکر می‌شود.



## منابع

- آذرنوش، آذرتاش، ذیل مدخل آذین بن هرمزان، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱، ۲۶۸.
- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالصدرا، جلد ۱۲، ۱۳۹۹ق.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله ابن عبدالله، *المسالك و الممالک*، بریل، ۱۸۹۹م.
- ابن جعفر، قدامه، *الخراج*، تحقیق م دخویه، لیدن: بریل، ۱۸۸۹.
- ابن حوقل، *صوره‌الأرض*، بیروت: دارالصدرا، جلد ۲، ۱۳۴۲هـ.
- ابن‌رسته، احمد ابن عمر، *الاعلاق النفسیه*، لیدن: بریل، جلد ۲، ۱۸۹۱م.
- ابن فقیه همدانی، *البلدان*، لیدن: بریل، ۱۳۰۲ق.
- خزرجی، ابودلف مسعر بن مهلهل، *رساله‌التانیه*، تصحیح محمد منیر مرسی، قاهره: علم‌الکتب، ۱۹۷۰م.
- استخری، ابراهیم بن محمد، *المسالك الممالک*، تحقیق محمد جابر عبدالعال الحسینی، لیدن: بریل، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م.
- ابن‌عنبه، جمال‌الدین احمد، *الفصول الفخریه*، به اهتمام سیدجلال‌الدین محدث ارموی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی، *مرآت البلدان*، تهران: نشر ایفار، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
- الفخری، محمد بن علی بن طبا طبّا (بن طقطقی)، *تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولت‌های اسلامی*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۵۰ش.
- ایزدپناه، حمید، *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
- پیرانی، بیان، *پرونده ثبتی محوطه جوی زر ایوان*، تهران: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور، منتشر نشده، ۱۳۸۱ش.
- سمعانی، ابی سعد عبدالکریم بن محمد بن منصور، *الانساب*، تصحیح عبدالرحمان الیمانی، حیدرآباد دکن: چاپ دایره‌المعارف العثمانیه، جلد ۱، ۱۹۶۲م.
- نوراللهی، علی و همکاران، «قوم‌باستان‌شناسی راه‌کارهای شکار حوزه رودخانه کنگیر در غرب زاگرس مرکزی»، *مجله جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۹۸-۲۳۰ پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
- حسن‌پور، عطا، *گزارش فصل سوم کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه باستانی قلعه گوری رملوند*، خرم‌آباد، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و جهانگردی استان لرستان، ۱۳۹۳.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین حسینی، *تاریخ حبیب‌السیر فی الخبر افراد بشر*، تهران: انتشارات کتابخانه خیام، جلد دوم، ۱۳۷۳.
- خانزادی، علی، *گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان ایوان*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، ۱۳۸۵.
- راولینسون، هنری کرزیک، *سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان)*، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۲.

- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، بریل، جلد ۵، ۱۹۶۴م.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین، *مجموعه التواریخ*، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران: نشر ابن سینا، ۱۳۴۴.
- لسترنج، گای، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۳۷.
- مارکوارت، یوزف، *ایران‌شهر در جغرافیای بطلمیوس*، ترجمه مریم میر احمدی، تهران: طهوری، ۱۳۸۲.
- مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تصحیح محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- همو، *التنبیه و الاشراف*، بیروت: دار و مکتبه‌الهیال، ۱۴۲۱ق.
- مقدسی، محمد بن احمد، *احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم*، بریل، ۱۹۰۶م.
- مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۹.
- مجموعه التواریخ و القصص*، به تصحیح ملک‌الشعراى بهار، تهران: چاپخانه خاور، ۱۳۱۸.
- محمدی‌فر، یعقوب و الناز طهماسبی، «طبقه‌بندی سفال ساسانی دره سیمره، مطالعه موردی: قلعه سیرم‌شاه»، *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره ۷، دوره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳. ص ۱۳۳ تا ۱۵۲.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله، *المجموعه البلدان*، تحقیق و وستنفلد، بیروت: دارالصدر، ۱۹۷۷.
- یعقوبی، احمد ابن اسحاق، *تاریخ*، بیروت، ۱۹۷۰م - ۱۳۹۰هـ.
- یعقوبی، احمد بن محمد، *البلدان*، بریل، ۱۸۹۱م.
- یوسف‌وند، یونس، «بررسی باستان‌شناسی شهرهای صدر اسلام استان ایلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر سید هاشم حسینی، دانشگاه محقق اردبیلی، ۱۳۸۹.
- Keall, E.J. and M.J. Keall, "The Qal'eh-I Yazdigird Pottery: A Statistical Approach", *Iran*, 19, 1981, pp. 33-80.